

یک عکس، یک خاطره



سفره هفت سین در جنگ - جبهه جنوب ۱۳۶۲

شب چهارشنبه سوری، کلی تیر و آرپی‌جی طرف عراقی‌ها زدیم. بیچاره‌ها هول برشان داشت که نکند ما قصد حمله داریم. شبته شب، یکم فروردین ۱۳۶۱. برخلاف دوران کودکی، حال و حوصله سال تحویل را نداشتم. رفته و گوشه سنگر خوابیدم. یکی از بچه‌ها کتری بزرگی را که صبح، باکلی زحمت، با خاک و گونی شسته بود، تا شاید کمی از سیاهی آن کم شود، روی «چراغ‌الو» گذاشت. بوی تند نفت آن و شعله زردش، حال همه را گرفته بود. ولی چه می‌شد کرد؟ در عالم خواب، خود را داخل سنگر دیدم، درست در لحظه تحویل سال. خواب بوم با بیدار نمی‌دانم، فقط بادم هست که یک باره دیدم کف پالم شعله ور شده و می‌سوزد. سریع از خواب پریدم. غلام بود، از بچه‌های تبریز. سربش به من تکرار داده بود که اگر موقع تحویل سال بخوابم، ناجور بیدار خواهد کرد، ولی باور نمی‌کردم این جور! فنک نفتی را زیر جورابم گرفته بود و در نتیجه، جورابی که کلی به آن دل بسته بودم - که تا آخر دوره سه ماهه مأموریت با خود داشته باشم - آتش گرفت و پای بنده هم بعلا! بدتر از من، بلایی بود که سر رضا آوردند. او دیگر جوراب پایش نبود، یک تکه خرگ اشتعالی توپ لای انگشتان پایش گذاشتند و با یک کبریت، کاری کردند که طفلکی کم مانده بود با سرعت ۱۰۰ کیلومتر در ساعت، به جای تانکر آب، برود طرف عراقی‌ها. با همه اینها، کسی احم نکرد و همه می‌خندیدند. از خنده بچه‌ها، خنده‌ام گرفت. حق داشتند. باید برمی‌خاستم تا پس از خواندن دعای تحویل سال، چند آیه قرآن بخوانیم، سپس روی یکدیگر را ببوسیم و رسیدن سال نو را تبریک بگوییم. اینها که سنت بدی نبود. حمید داوودآبادی - رزمنده

دژاوو

صاحب فره ایزدی و «روز نو»

می‌کند. مردم با مشاهده توانایی پادشاه جوان بخت خود بر شکوه و جلال او آفرین گفته و آن روز را که از قضا روز نخستین از ماه فروردین بود، روز نو یا «نوروز» خواندند. اینکه چه مقدار از این داستان حقیقت است و چه میزانش افسانه را فقط خداوندگار دو جهان می‌داند، چه آنکه با توجه به اختلاط اکثر قریب به اتفاق متون مربوط به تاریخ ایران پیش از اسلام با قصه و افسانه، همین میزان اطلاع از خاستگاه پدیده‌های چون نوروز را نیز باید غنیمت شمرد.

افول طالع جمشید

اگر همین داستان جمشید را ملاک بگیریم و او را نخستین بانی نوروز بدانیم، این نکته را نیز در ادامه نباید از یاد ببریم که پدر نوروز یعنی جناب جمشید خان، از قضای روزگار آق‌درها هم عاقبت بخیر نشد و همچون اکثر سلاطین غرور بر او چیرگی یافت و به تدریج نقطه قوت خود یعنی همان فره ایزدی را از دست داد. ستم جمشید نسبت به مردم خویش باعث شد تا آنان به ضحاک فرمانروای دشت نیرزه‌وار روی آورند و هلاک شاه خود از او طلب کنند. ضحاک نیز که چنین دید به سرزمین جمشید یورش آورد و او که موهبت الهی و توجه مردمی را توأم از دست داده بود، از نزد ضحاک گریخت و آواره بحر و بیابان شد. نهایت قصه آنکه گماشتگان ضحاک او را عاقبت یافتند و به حکم سلطان ماردوش با باره به دو نیمش کردند! و اینچنین قصه جمشید در جهان به پایان رسید.

پرواز در نوروز

با خواندن شعر فردوسی ما چنین می‌فهمیم که صاحب فره ایزدی یعنی جمشید که به انواع هنرها آراسته بود، با ساختن تختی جواهرنشان و به کمک دیوها پرواز در آسمان‌ها را تجربه



تاریخ‌نگار

نوروز برای ملت ما، امروز عبارت است از اول‌توجه مردم به خدا. اول تحویل سال که می‌شود، مردم دعا می‌خوانند، با محول الحول والأحوال می‌گویند. آغاز سال را با یاد خدا شروع می‌کنند، توجه خود را به خدا زیاد می‌کنند. این ارزش است. ثانیا نوروز را بهانه‌ای برای دید و بازدید و رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و بهانه محبت به یکدیگر قرار می‌دهند. این همان برادری و عطف‌ت اسلامی و همان صلح‌رحم اسلام است. ضمناً نوروز را بهانه‌ای برای زیارت اعتاب مقدسه قرار می‌دهند، به مشهد مسافرت می‌کنند که همیشه یکی از پرجمعیت‌ترین اوقات سال در مشهد مقدس، اوقات عید نوروز بوده است. پس می‌بینید که نوروز را نگه داشتند، محتوای آن را که غلط بود، به محتوای صحیح و درست تبدیل کردند. این هنر ملت ایران و ذوق و سلیقه ایرانی مسلمان است.

سخنرانی نوروزی - یکم فروردین ۱۳۷۷

زنگ تاریخ

فصل زاده شدن عشق

نوروز همه وقت عزیز بوده است، در چشم مویبان، در چشم مویبدان، در چشم مسلمانان و در چشم شیعیان مسلمان، همه نوروز را عزیز شمرده‌اند و با زبان خویش از آن سخن گفته‌اند. حتی فیلسوفان و دانشمندان که گفته‌اند: «نوروز روز نخستین آفرینش است که خداوند دست به خلقت جهان زد» و «روز را این کار بود... چه افسانه زیبایی، زیباتر از واقعیت راستی؟ مگر هر کسی احساس نمی‌کنند که نخستین روز بهار، گویی نخستین روز آفرینش است. اگر روزی خدا جهان را آغاز کرده است، مسلمان آن روز، این نوروز بوده است. مسلمان بهار نخستین فصل و فروردین نخستین ماه و نوروز نخستین روز آفرینش است. هرگز خدا جهان را و طبیعت را با پاییز یا زمستان یا تابستان آغاز نکرده است. مسلمان اولین روز بهار، سیزده بهار و رویداد آغاز کرده‌اند و در دهه‌ها رفتن و شکوفه‌ها سبزند و جوانه‌ها شکفتن، یعنی روح در این فصل زاده است و عشق در این روز سر زده است و نخستین بار، آفتاب در نخستین روز طلوع کرده است و زمان با وی آغاز شده است. (علی شریعتی ۱۳۵۶-۱۳۱۲)



نوروز و نسل امروز

نسل جوان فکری می‌کنند هفت سنین را که بگذرانند، دورش جمع شوند و بگویند سال تحویل شده کافی است. در گذشته نه این طور نبود. یک تدارکاتی داشت. یک استقبالی داشت برای نوروز که همه در اسفند ماه بود. یعنی اسفند که شروع می‌شد، مردم در تدارک عیدشان بودند. پدر خانواده دست بچه‌ها و خاتم را می‌گرفت همان اول اسفند می‌بردشان پارچه فروشی برای خرید پارچه. سابق برای یک دست لباس آماده وجود داشت: کفش آماده بود. باید تشریف می‌بردین خیاط خانه و کفاشی پارچه‌اش را می‌بردین. استریش را می‌بردین، معمولاً در هر محله‌ای خیاطی بود که همه را می‌شناخت، همه هم مشتری‌اش بودند. بعد دوباره باید می‌رفتی کفاشی، همراه همه اهل خانه. کفاشی زنانه و مردانه. این لباس شب عیدشان بود. همه باید روز اول عید لباس‌های خود را عوض می‌کردند و لباس نو می‌پوشیدند. رسم شان بود. غیر از این را بدمی‌دانستند. معتقد بودند روز اول نوروز، یعنی اول فروردین اگر ما لباس عید نپوشیم تا آخر سال همین وضع را داریم. یعنی دیگر چیز نوبه‌تن مان نمی‌آید. (مرتضی احمدی ۱۳۹۳-۱۳۶۳)



جدول

شماره ۱۹۳۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														

افشای ۱ - نویسنده رمان معروف شاهزاده وگدا - میل به غذا ۲ - از احزاب نژادپرست آلمان - آماده سفر - مردی بز ۳ - نام قدیم فرانسه - اسوه و نمونه - دعوا - تکرار حرفی ۴ - معجزه جاوید پیامبر - آدمکش - کشور لیما ۵ - سمت راست - همراه دارا - از ماشین‌های راه سازی ۶ - هلاک نیستی - عرصه بوکس - نوعی بورس و برنج ۷ - حرف شرط - نوعی ویتامین - اعلامیه حزبی ۸ - حرف انتخاب - مخفی شدن در جایی به قصد حمله به دشمن - بسیار نکوهنده - پوستین وارونه ۹ - بستنی یخی - یک لحظه - ثروتمند ۱۰ - طبیعی و عادی - برنج فروش - محل ذخیره اندوخته دنیوی ۱۱ - کبر و خودخواهی - قدرت و نیرو - نان خرد شده در آنگوشت ۱۲ - خوشحالی و شادی - خاتم پیامبران - از اصول دین ۱۳ - خفت ماده - جزیره اندونزی - نام چندتن از پادشاهان انگلیس - حرف همراهی ۱۴ - فیلسوف نوبل برده انگلیسی و صاحب اثر تاریخ فلسفه غرب - تیره تبرک - کینه و دشمنی ۱۵ - شرمندگی - معادل فارسی دوپینگ

حل جدول شماره ۱۹۳۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														

عمودی ۱ - نحاس - تیم فوتبالی قهرمان در آلمان ۲ - شتر - ورزش تسلط بر امواج ذهن - کماندو ۳ - درخت انگور - بازی خانمانسوز - آخرین چیزی که انسان از دست می‌دهد - علامت مفعول ۴ - اولی صدمتر مربع و دومی مساوی - قلعه - دام - پرنده‌ای شکاری از جنس باز - آرزوها - بهترین جایگزین برای کسانی که به مصرف شیر حساسیت دارند ۵ - اتاق قطار - فیلم مسعود کیمیایی - دگرگونی ۶ - غزال - عدد عنقا - از بنیان‌گذاران جنبش عدم تعهد ۸ - تکرار حرف آخر - سمت و سو - نوعی بندر یا منطقه تجاری - نمایش تلویزیونی ۹ - میوه درشت مناطق گرمسیری - ضمیر اشاره - سگ بیمار ۱۰ - از شهرهای استان لرستان - نغمه و سرود - تفریق ۱۱ - آرایش نشده - سرانگشتان - تمجید و شناساندن ۱۲ - دلدار پروانه - پست و ناگس - کلمه تعلیل به معنی زیر ۱۳ - پشته - مار از آن بیزار است - کلمه ضرورت - آش ۱۴ - روز نسیه - خودروی باری کوچک - گردنکشی و تعدی ۱۵ - اطلاع‌رسانی؛ داده‌ورزی - خوشحال

صحیفه نور - جلد ۱۷، صفحه ۳۱۵